

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
فصل اول - کلیات	۱۷
گفتار اول: تعریف وکالت	۱۷
گفتار دوم: گسترده وکالت:	۲۰
گفتار سوم: انواع وکالت:	۲۶
۱- وکالت عام از جهت تصرف و خاص از جهت متعلق وکالت	۲۷
۲- وکالت عام از جهت متعلق و خاص از جهت تصرف	۲۹
۳- عموم وکالت از جهت تصرف و متعلق	۲۹
۱- وکالت مطلق از جهت تصرف:	۳۰
۲- وکالت مطلق از جهت متعلق	۳۰
۳- وکالت مطلق از جهت تصرف و متعلق	۳۰
گفتار چهارم: شرایط انعقاد عقد وکالت:	۳۲
۱- امکان انجام مورد عقد وکالت:	۳۷
۲- معلوم و معین بودن مورد وکالت	۳۸
۳- تصرف مشروع و قانونی باشد	۳۹
گفتار پنجم: وکالت در عقود و ایقاعات و شرایط آن:	۴۰
۱- موکل بتواند خود قانوناً آن را انجام دهد	۴۲
۲- غرض قانون یا شارع مباشرت فرد نباشد:	۴۲
گفتار ششم: انحلال عقد وکالت:	۴۵
فصل دوم - مباحث مربوط به طلاق و انواع وکالت در طلاق	۵۱
گفتار اول: طلاق و افتراق جسمانی:	۵۲

گفتار دوم: حق طلاق:.....	۵۳
گفتار سوم: شرایط طلاق:.....	۵۴
گفتار چهارم: چگونگی وکالت در طلاق:	۵۹
۱- انحلال نکاح تنها از جانب مرد:	۵۹
۲- تساوی زن و مرد در انحلال نکاح:	۶۰
۱- وکالت خاص در طلاق:.....	۶۴
۲- وکالت عام و مطلق در طلاق:	۶۴
۱- وکالت در طلاق به صورت شرط ضمن عقد نکاح	۷۱
۱-۱- زن وکیل مطلق از طرف شوهر باشد:	۷۲
۱-۲- تحقق امری در خارج برای مطلقه ساختن زن:.....	۷۳
۱-۳- شرط وکالت ضمن عقد لازم:.....	۷۳
۱-۴- شرایط مندرج در سند ازدواج:.....	۷۵
۲- وکالت زوجه در طلاق:	۷۶
۲-۱- طرُق قانونی:.....	۷۸
۲-۲- شرط وکالت ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم:.....	۷۹
۲-۳- قرارداد مستقل وکالت:	۷۹
۱- ترک زندگی:.....	۸۶
۲- عدم انفاق:.....	۸۷
۳- عدم ایفاء حقوق واجبه زن از طرف شوهر:	۸۷
۴- سوء معاشرت شوهر و عسر و حرج زن:.....	۸۸
۵- ابتلای شوهر به بیماری‌های مسری:.....	۸۹
۶- شرط در قرارداد ازدواج:	۸۹
۷- محکومیت کیفری:.....	۹۱
۸- محکومیت مغایر با شئون و حیثیت خانوادگی:.....	۹۱
۹- اعتیاد مضره:.....	۹۱
۱۰- ازدواج ثانوی بدون رضای زوجه:.....	۹۲
وکالت اشخاص ثالث در طلاق:	۹۹
فصل سوم - بررسی نظرات مختلف در خصوص توکیل یا تفویض وکالت.....	۱۰۵
در طلاق و انحلال آن.....	۱۰۵
گفتار اول: وکالت در طلاق، توکیل یا تفویض:	۱۰۵

گفتار دوم : انحلال وکالت در طلاق : ۱۱۲

گفتار چهارم :انجام متعلق وکالت توسط موکل : ۱۱۷

گفتار پنجم :پایان مدت وکالت در طلاق:..... ۱۱۷

گفتار ششم :محجوریت در وکالت در طلاق:..... ۱۱۸

گفتار هفتم :اثبات وکالت در طلاق:..... ۱۱۹

گفتار هشتم :وکالت در آنچه تحت سلطه موکل نیست:..... ۱۲۱

گفتار نهم :وکالت در طلاق در سایر مذاهب:..... ۱۲۲

نتیجه گیری..... ۱۳۳

منابع و مأخذ..... ۱۳۵

مقدمه

موضوع وکالت در طلاق از جمله موضوعاتی است که در فقه و نیز نوشته‌های حقوقدانان معاصر به طور کلی پذیرفته شده است. لیکن این موضوع با توجه به اینکه در حقوق اسلامی و متأثر از آن قانون مدنی کشور ما، حق طلاق از آن مرداست، نیاز به بررسی بیشتر دارد. برای بررسی موضوع وکالت در طلاق باید ابتدا به بررسی قواعد عام وکالت که برآن حکم است پرداخته شود. به طور کلی وکالت در طلاق به سه صورت امکانپذیر است:

۱- وکالت زوجه در طلاق

۲- وکالت در طلاق به صورت شرط ضمن عقد نکاح

۳- وکالت اشخاص ثالث در طلاق.

و علاوه براینها مطابق قواعد عقد وکالت به خود زوجه نیز همانند اشخاص ثالث می‌توان وکالت در طلاق داد. مورد اول نیز تحت عنوان طلاق قضائی مورد بررسی قرار می‌گیرد یعنی مواردی که زن حق دارد برای صدور گواهی عدم امکان سازش به دادگاه رجوع کند و در واقع اگر که این مورد وکالت در طلاق هم نامیده شود، وکالتی است که از جانب قانون به زن داده شده است. طلاق حق مرد است «الطلاق بید من اخذ بالساق» علاوه براین به دلیل آنکه طبق روایت طلاق به دست مرد است، برخی قائل به این شده‌اند که وکالت در طلاق امکانپذیر نیست. یعنی باید به این نکته توجه داشت که این حق طلاق نیست که به وکالت داده می‌شود به عبارتی وکالت در طلاق به معنی تفویض حق طلاق از جانب شوهر به زن و سلب اختیار از مرد نیست بلکه وکالت در خواندن صیغه طلاق است. البته در فقه اهل سنت تفویض حق طلاق پذیرفته شده است. طلاق ایقاع

است و وکالت در طلاق نیز وکالت در عمل حقوقی ایقاع است و از لحاظ شرایط انعقاد عقد وکالت و نیز انحلال آن تابع قواعد وکالت است. بنابراین برای اینکه مرد نتواند زن را از این وکالت عزل کند باید آن را در ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم دیگری قرار داد. نکته آخر اینکه وکالت در طلاق تنها در نظامهای حقوقی ای مورد بررسی قرار می‌گیرد که طلاق حق مرد است والا موضوع وکالت در طلاق از جانب مرد یا زن یا هر دو، در همه نظامهای حقوقی حتی آنهایی که طلاق را به طور تساوی حق مرد و زن می‌دانند برقرار است ولی به معنی خاص خود یعنی وکالت زوجه در طلاق در جایی که طلاق حق مرد است موضوع بحث در نوشتار حاضر می‌باشد.

علت انتخاب موضوع حاضر با عنوان «وکالت در طلاق» انجام تحقیقی جامع در این زمینه با توجه به منابع حقوقی و فقهی و نیز قوانین موجود در این زمینه می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که علی‌رغم اهمیت مسئله فوق در کتب حقوقی مربوط به حقوق خانواده آنچنان که باید و شاید به این مسئله پرداخته نشده، تا آنجا که در درس حقوق مدنی (۵) که مربوط به حقوق خانواده است، بسیاری از دانشجویان با این مسئله یا برخورد نکرده‌اند و یا اینکه اطلاعات کافی در مورد آن ندارند. تحقیق حاضر درصدد روشن نمودن ابعاد مختلف قضیه فوق است. لازم به ذکر است که وکالت در طلاق یک بحث فقهی بوده و به این ترتیب در کنار کتب حقوقی از پرداختن به منابع فقهی نیز ناگزیر خواهیم بود علاوه بر این در دادگاه‌های خانواده این مسئله اهمیت فراوان داشته و وجود منبعی جامع و کامل در این زمینه نیاز می‌باشد.

در حقوق ایران به پیروی از فقه امامیه طلاق حق مرد دانسته شده، لیکن تحت شرایطی زن می‌تواند با مراجعه به دادگاه خود را مطلقه سازد. لیکن اهمیت تحقیق در این زمینه در همین مورد آشکار می‌شود. چگونه است که طلاق حق مرد است ولی زن می‌تواند وکالت در طلاق داشته باشد. آیا چنین موضوعی به معنی سلب حق طلاق از مرد می‌باشد؟ امروزه در سندهای ازدواج (نکاحنامه) شروطی درج می‌شود که اگر به عنوان مثال مرد برای مدتی غائب شود زن وکیل و وکیل در توكیل باشد که بتواند خود را مطلقه سازد. تحقیق حاضر در پی پرداختن به ابعاد مختلف این مسئله است تا با

مطالعه منابع مختلف در این زمینه مبنای قانونی و شرعی این مسئله به خوبی روشن گردد.

موضوع «وکالت در طلاق» ذیل عنوان حقوق خانواده که موضوع درس حقوق مدنی (۵) گرایش حقوق می‌باشد، قرار می‌گیرد. در قانون مدنی ایران مواد ۱۰۷۱ تا ۱۰۷۴ به مبحث وکالت در نکاح اختصاص یافته است منتها در مورد وکالت در طلاق تنها ماده ۱۱۳۸ اشاره ای به مطلب دارد. این ماده مذکور داشته: ممکن است صیغه طلاق را به توسط وکیل اجرا نمود. «همین جمله به ظاهر ساده مباحث بسیاری را دربردارد. هنگامی که طلاق را حق مرد بدانیم این موضوع که می‌توان وکالت در طلاق را به زوجه سپرد شرایط خاصی را می‌طلبد.

ابتدا برای حل مسئله باید قواعد وکالت را به طور دقیق مورد بررسی قرار داد و سپس در مورد طلاق و شرایط آن بحث نمود. بعد از آن است که باید این موضوع مورد بررسی قرار گیرد که اصولاً چگونه می‌توان طلاق را به وکالت انجام داد. هرکدام از این مباحث به وجود آورنده موضوعات فرعی هستند که در تحقیق حاضر به آنها پرداخته خواهد شد. علاوه بر قانون مدنی که به موضوع وکالت در طلاق اشاره نموده، باید منابع فقهی نیز مورد ملاحظه قرار گیرند زیرا بحث وکالت در طلاق ابتدا در منابع فقهی مورد بررسی قرار گرفته است و قانون مدنی نیز که سرچشمه اصلی آن در فقه قرار دارد، از این مورد پیروی نموده است.

سؤال اصلی تحقیق حاضر در رابطه با این موضوع مطرح می‌شود که اگر در حقوق ایران طلاق حق مرد است بنابراین چگونه است که می‌توان سرنوشت این نهاد حقوقی را با وکالت به زن سپرد؟ در واقع سؤال به این صورت مطرح می‌شود که آیا امکان دارد که طلاق را به عنوان حکمی که قانونگذار متخذ از فقه آن را برای مرد قرار داده است به وکالت به زوجه سپرد؟ در کنار این سؤال اصلی سؤالات فرعی نیز به این صورت در تحقیق حاضر مطرح می‌شوند:

۱- آیا وکالت در طلاق به معنی سلب حق از مرد است؟

۲- آیا با داشتن وکالت زوجه می‌تواند بدون مراجعه به دادگاه خود را

مطلقه نماید؟

۳- تفاوت توکیل و تفویض در چیست؟

تحقیق حاضر به دنبال جوابگویی به سؤالات فوق می‌باشد و در کنار آن به سایر مباحث نیز خواهد پرداخت.

فرضیه در مورد سؤال اصلی:

اینکه گفته می‌شود وکالت در طلاق را می‌توان به زوجه سپرد به این معنی است که زن وکیل در اجرای صیغه طلاق است نه اینکه حق طلاق از مرد سلب شود زیرا طلاق به عنوان حکم است و مسامحتاً از آن به عنوان حق طلاق نام برده می‌شود. بنابراین زن تنها می‌تواند با وجود شرایط، خود را مطلقه نماید. وکالت در طلاق موضوعی است که در فقه امامیه مورد تأیید قرار گرفته و قانون مدنی ایران نیز به پیروی از فقه امامیه آن را پذیرفته است.

فرضیه در مورد سؤالات فرعی به این صورت است:

- ۱- وکالت در طلاق به معنی سلب حق طلاق از مرد نیست زیرا طلاق به عنوان حکمی مختص مرد قرار داده شده و سلب آن امکانپذیر نیست.
- ۲- زوجه نمی‌تواند حتی با وجود داشتن وکالت در طلاق بدون مراجعه به دادگاه خود را مطلقه نماید بلکه باید شرایط طلاق از هر حیث در این مورد نیز رعایت گردد.
- ۳- توکیل یعنی به نیابت قرار دادن امری، به گونه ای که موکل یا منوب عنه از خود سلب حق ننموده باشد لیکن در تفویض از شخصی که امری را به دیگری تفویض می‌نماید سلب حق می‌شود.

در تحقیق حاضر به روش کتابخانه ای به نگارش مطالب پرداخته شده است. به این صورت که ابتدا مطالب مربوط به موضوع از کتب و مقالات و جزوات جمع آوری شده و پس از استخراج مطالب و جمع آوری نظرات مختلف حقوقی و فقهی، به منظور دستیابی به نتیجه مورد نظر به تحلیل آنها پرداخته شده است.

تحقیق حاضر در سه فصل ارائه شده است. فصل اول به بررسی مفهوم وکالت، انواع و شرایط انعقاد آن پرداخته است. همچنین وکالت در اعمال حقوقی و غیر آن و همچنین طرق انحلال وکالت در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است. در هر کدام از این موارد طلاق به عنوان حقی که باید در کنار وکالت در این تحقیق بررسی شود، آورده شده است. فصل دوم تحقیق حاضر به بررسی مفهوم طلاق و حقی که قانونگذار متخذ از شرع آن را به زوج داده است می‌پردازد. همچنین چگونگی به وکالت گذارده شدن طلاق و انواع وکالت در طلاق یعنی وکالت در طلاق به صورت شرط ضمن عقد نکاح، وکالت زوجه در طلاق و وکالت اشخاص ثالث در طلاق مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل آخر تحقیق حاضر نیز به بررسی این سؤال مهم می‌پردازد که در حقوق ایران وضعیت وکالت در طلاق به صورت توکیل است یا تفویض؟ همچنین در این فصل به موضوع انحلال وکالت در طلاق پرداخته شده و علاوه بر آن چگونگی موضوع حاضر در سایر مذاهب و مکاتب حقوقی خارجی مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است. در پایان نیز نتیجه‌گیری آورده شده است.

فصل اول

کلیات

فصل حاضر به بررسی کلیاتی می‌پردازد که در حقیقت کلید ورود به بحث هستند.

گفتار اول: تعریف وکالت

وکالت را در لغت به این صورت معنا کرده اند: کسی را برای انجام کاری به نمایندگی خود برگزیدن، تکیه و اعتماد کردن، تفویض و واگذاری کاری به کسی چنانکه بعداً خواهد آمد مفهوم توکیل و تفویض با هم تفاوت دارند و وکیل نیز در لغت به معنی گماشته، نماینده و کسی که به او اعتماد کنند و کاری را به او بسپارند آمده است^۱ موکل نیز کسی است که کاری را به دیگری وا می‌گذارد و به وی اعتماد و کفایت می‌کند و وکیل نیز کسی است که کار را به او می‌سپارند و به او اعتماد و کفایت می‌کنند.^۲ و در فقه اسلامی وکیل به کسی گفته شده که از طرف موکل خود، در کلیه امور و عقود و احکام و دعاوی نیابت و اختیار دارد به شرط ناتوانی موکل بالفعل و

۱. قریب، محمد، فرهنگ فارسی قریب، چاپ چهارم، تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸۶ و نیز: عمید،

حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹۴.

۲. کاتبی، حسینقلی، تعریف و سند وکالت مجله کانون وکلاء، سال نوزدهم، شماره ۱۰۴-۱۰۷، صص ۱۱-

توانایی وی بالقوه^۱. البته برخی نویسندگان بین وکالت و نمایندگی تفاوت قائل می‌شوند^۲. و به نظر می‌رسد که از نظر حقوقی نظر اخیر صحیح باشد به این ترتیب وکالت را نباید با نمایندگی یکی دانست چرا که نمایندگی اثر و نتیجه عقد وکالت است یعنی وکالت عقدی است که به وکیل اختیار می‌دهد که نماینده موکل باشد. البته وکالت تنها منبع و سبب ایجاد نمایندگی نیست و نمایندگی منبع و اسباب دیگری هم دارد^۳. تعریفی که در حقوق برای وکالت آمده است به این صورت است که وکالت عبارت است از عقدی که به موجب آن شخص به دیگری اختیار انجام عملی را به نام و به نفع خود می‌دهد. وکالت دهنده را موکل و وکالت گیرنده را وکیل نامند. در حقوق فرانسه به مطلق نمایندگی اعم از قهری و اختیاری Mandat لغت اطلاق شده است مثلاً در مورد قیم و پدر نسبت به فرزند صغیر و زوج در مورد اداره اموال زوجه هم اطلاق شده است. با توجه به این تعاریف می‌توان گفت که معنای ابتدائی وکالت که به ذهن متبادر می‌شود همان نیابت و نمایندگی است که شخص از طرف دیگری دارد. به این شخص وکیل و به شخصی که نمایندگی داده موکل گفته می‌شود. بنابراین نمایندگی اعم از وکالت است.

نیابت نیز در لغت به معنی جانشین شدن، به جای کسی نشستن یا به جای کسی امری را انجام دادن و به طور کلی به معنی جانشینی و قائم مقامی می‌باشد و نماینده نیز به معنی وکیل و نایب و کسی که از طرف شخص دیگری برای مذاکره در امری یا انجام دادن کاری معین شده باشد است^۴. البته از همین معنی غوی نماینده نیز دو نکته به ذهن متبادر است: اول تعیین شدن بر ای مذاکره در امری (اعمال حقوقی) یا انجام دادن کاری (اعمال مادی) و نیز معین شدن نماینده که در ادامه به این مباحث خواهیم

۱. همان، ص. ۱۲.

۲. درودیان، حسعلی، جزوه حقوق مدنی ۳، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۷.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوازدهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱، ص. ۷۲۳.

۴. عمید، حسن، منبع پیشین، ص. ۱۱۴۵.

پرداخت. تعریف وکالت در قانون مدنی ایران چنین آمده است: ماده ۶۵۶ قانون مدنی: «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید» و ماده ۶۹۹ قانون مدنی مصر هم می‌گوید: وکالت عقدی است که به موجب آن وکیل به انجام عمل قانونی به حساب موکل ملتزم می‌شود و ماده ۹۲۷ قانون مدنی عراق نیز می‌گوید: وکالت عقدی است که به موجب آن شخص، دیگری را در تصرفات جایز و معلوم جانشین خود می‌نماید و در ماده ۷۶۹ قانون موجبات و لعقود لبنان در تعریف عقد وکالت آمده که: عقدی است که به موجب آن تفویض می‌کند موکل بر وکیل امری یا اموری یا انجام عملی یا فعلی را و تحقق آن منوط به قبول وکیل است و جایز است اینکه قبول وکالت به طور ضمنی یا به فعلی که دلالت بر آن نماید.

فقهاء در تعریف وکالت گفته اند: وهی تولیة الغير مایملکه من إمضاء امرأ و استنابة

فی تصرف یقبل الاستنابة^۱

در جای دیگری گفته شده: الوکالة عقد شرع للاستنابة فی التصرف و هی جائزة بالکتاب و السنة و الاجماع بل العقل ایضاً. البته فقهای عامه در تعریف وکالت به تفویض امر توجه می‌کنند و همانطور که گفته خواهد شد شیعه تفویض امر در وکالت را نپذیرفته بلکه توکیل را قبول دارد: الوکالة بفتح الوا و کسرهما لغة التفویض و المراعاة و الحفظ و هی تفویض شخص أمره إلى آخر فیما یقبل النيابة: ^۲ بنابراین در جاهایی که فقهای شیعه در تعریف وکالت از تفویض نام برده اند باید حمل بر مسامحه نمود: وهی تفویض الامر إلى الغير لیعمل له حال حیاته أو ارجاع تمشیة الامر من الامور.^۳

۱. الاردبیلی، احمد (۱۴۱۲) ه ق، مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، الجزء

التاسع، ص. ۴۸۸

۲. الدمیاطی، البکری (۱۴۱۸) ه ق، إعانة الطالبین، بیروت، دارالفکر، الطبعة الاولى، الجزء الثالث، ص

۱۰۱.

۳. الموسوی الخمینی، سید روح الله (۱۴۱۷) ه ق، تحریر الوسیلة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة

السادسة، الجزء الثاني، ص. ۳۹

گفتار دوم: گسترده وکالت:

البته قبل از هر چیز باید این نکته را متذکر شویم که ایقاع نیز مانند قرارداد ممکن است به نیابت انشاء شود و ایقاع کننده اصیل نباشد مانند اینکه شخصی به وکالت از سوی شوهر زن او را طلاق دهد) ماده ۱۱۳۸ قانون مدنی (یا پدری به ولایت از کودک خود اخذ به شفعه نماید) البته گفته شده که با توجه به اینکه مواردی که ایقاع به مباشرت انجام می‌پذیرد نادر است بنابراین اصل نیابت‌پذیری ایقاع است و در مواردی که حکم خاصی وجود ندارد می‌توان به قیاس موارد مشابه دست زد مثلاً در فسخ نکاح که قانون حکمی درباره لزوم مباشرت همسر ندارد می‌توان با قیاس به طلاق نتیجه گرفت که فسخ نکاح نیز ممکن است به وکالت انجام پذیرد. البته به وکالت گذاشتن فسخ نکاح با استناد به ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی که اسباب انحلال نکاح را ذکر کرده است نیز جایز است زیرا طلاق نیز همانند فسخ نکاح جزء اسباب انحلال نکاح می‌باشد و هنگامی که طلاق بتواند به صورت وکالت و به نیابت انجام شود دلیلی برای واقع نشدن فسخ نکاح به نیابت وجود ندارد. حتی اعمالی مانند حیازت مباحات که یک ایقاع است نیز در زمره اعمالی قرار گرفته اند که می‌توانند به وکالت قرار داده شوند زیرا حیازت مباحات عملی حقوقی است و در صورتی سبب تملک می‌شود که به این قصد انجام شود و به قصد تملک رکن معنوی حیازت مباحات است خواه از سوی شخص متصرف انجام شود یا از سوی کسی که او را مأمور به تصرف و احیاء کرده است. نویسندگان حقوق مدنی در تعریف ایقاع می‌نویسند: «ایقاع عملی است قضائی و یک طرفه که به صرف قصد انشاء و رضای یک طرف منشاء اثر حقوقی می‌شود بدون اینکه تأثیر یک طرفه قصد و رضای مذکور نیازی به غیر داشته باشد) مگر در موارد

۱. کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱، ص. ۴۹۱.

۲. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی اموال و مالکیت، چاپ پنجم، نشر میزان، ۱۳۸۱،

فصل اول - کلیات ■ ۲۱

مصرح در قانون مانند طلاق (ابراء، اعراض و فسخ از مصادیق ایقاعات هستند^۱ به طور خلاصه گفته شده که: «ایقاع انشاء اثر حقوقی است که با یک اراده انجام می شود^۲». در مورد گستره وکالت یکی از فقهای متأخر این چنین سؤالی را مطرح می کند: ما تصح فيه الوكالة؟ و هو كل فعل لا يتعلق غرض الشارع فيه بمباشر المعين كالبيع و النكاح و الطلاق^۳. بنابراین هر فعلی که مباشرت فرد در آن قید نشده باشد می تواند متعلق وکالت قرار گیرد. به عنوان مثال گفته شده: «و أما الصلوة فلا يجوز توکيل فيها و لا تدخلها النيابة سوى ركعتي الطواف تبعاً للحج^۴. بنابراین تنها موردی که نماز را می توان به وکالت نهاد نماز طواف است که آنها به تبع حجی که به نیابت انجام می شود، توسط نائب خوانده خواهد شد.

باید توجه داشت که در فقه در موارد مختلف اعمالی را که می توان به وکالت نهاد یا امکان به وکالت نهادن آنها وجود ندارد، نام برده شده اند: و أما الزكاة فيصح التوكيل في إخراجها عنه و في تسليمها و إلى اهل السهمان و يصح من اهل السهمان التوكيل في قبضها و أما الحج فلا تدخله النيابة مع القدرة عليه بنفسه فإذا عجز عنه بزمانه أو موت دخلته النيابة. ودر جای دیگری گفته شده: و لا يصح التوكيل في الغصب و القتل و المحرمات و احياء الموات^۵. البته در مورد احياء موات نظر مختار را در جای خود ذکر خواهیم کرد. در واقع هنگامی که شخصی امری را به دیگری به عنوان وکالت می دهد محدوده آن را نیز باید مشخص نماید. به عنوان مثال می گوید: اننى

۳. لنگرودی، محمد جعفر، منبع پیشین، ص. ۱۰۰

۱. کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، منبع پیشین، ص. ۴۷۱

۲. الحلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر (۱۴۱۰ ه ق)، مختصر النافع، قم، الدارسات الاسلامیة، الطبعة الثانية، ص. ۱۵۴

۳. ابن ادریس حلّی، ابن جعفر محمد بن منصور (۱۴۱۰ ه ق)، السرائر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الثانية الجزء الثاني، ص. ۸۲

۴. الطوسی، ابی جعفر، محمد بن الحسن (شیخ طوسی)، (۱۳۸۷ ه ق)، المبسوط، نجف الاشرف، المكتبة المرتضوية، الجزء الثاني، ص. ۳۶۰

جعلتک وکیل فی طلب کل حق لی و یحدث لی علی أحد من الناس کلهم و قبله و عنده من الوجوه کلها و الاسباب و فی قبض ذلك و الخصومة^۱ فيه
در مباحث مربوط به انواع وکالت در این زمینه بیشتر توضیح خواهیم داد.

مبحث اول: وکالت در اعمال حقوقی

در حقوق خانوادگی مهمترین نمونه ایقاع طلاق می‌باشد ولی ایقاعات دیگری هم در این زمینه یعنی حقوق خانوادگی وجود دارند که عبارتند از: فسخ نکاح، رجوع شوهر، بذل مدت در نکاح منقطع و فرزند خواندگی. با ذکر این توضیح در مورد بحث اصلی یعنی تعریف وکالت باید توجه داشت که در قانون مدنی ایران و لبنان برای موضوع وکالت محدودیتی وجود ندارد لیکن طبق قانون مدنی مصر و عراق موضوع وکالت محدود به تصرفات قانونی شده است. بنابراین گستره وکالت در این دو تعریف متفاوت است. در قانون مدنی مصر و عراق آمده که وکیل ملتزم است که انجام بدهد عمل قانونی به حساب موکل و بنابراین طبق این تعریف مهمترین وجه تمایز که عقد وکالت اصلی با سایر عقود به خصوص عقد مقاطعه کاری دارد و همچنین با قرارداد کار، این است که عقد وکالت دائماً تصرفات قانونی است در حالی که موضوع عقد مقاطعه کاری و قرارداد کار عمل مادی است و این تصرف قانونی به وسیله وکیل و به حساب موکل انجام می‌شود. مثلاً فردی می‌تواند برای فروش خانه خود به دیگری وکالت دهد یا برای نکاح به او وکالت دهد لیکن نمی‌تواند برای ساختن خانه به او وکالت دهد زیرا اولی تصرف قانونی ولی دومی عمل مادی است و طبق تعریف ارائه شده در مفهوم وکالت نمی‌گنجد^۲ در حقوق ایران نیز گفته شده است که از ظاهر ماده ۶۵۶ قانون مدنی برمی‌آید که موضوع وکالت ممکن است انجام یک عمل حقوقی باشد مانند فروش خانه، فسخ، اجاره، طلاق یا امر دیگری که در شمار اعمال مادی است و

۱. شیخ مفید، عبدالله محمد بن محمد بن النعمان (۱۴۱۰ هـ ق)، المقنعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الثانية، ص. ۸۴۶
۲. سنهوری، عبدالرزاق، الوسیط (وکالت)، مترجم: بهرام بهرامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنامه رسمی کشور، صص. ۱۵-۱۶